

روزنه

محمد هاشمی:

امکان وحدت با محوریت ناطق برای اصولگرایان وجود ندارد

● **تابناک:** محمد هاشمی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب درباره حضور حجت‌الاسلام ناطق‌نوری در جلسه جامعه روحانیت و امکان میدان‌داری او برای اصولگرایان، گفت: «شکل‌گیری وحدت با محوریت ناطق‌نوری در بدنه جریان اصولگرایی امکان‌پذیر نیست.»او افزود: «بندۀ دقیقاً از هدف اصولگرایان پیرامون دعوت از ناطق‌نوری برای شرکت در جلساتشان اطلاع ندارم، اما آنچه مشخص و روشن است، این بوده که اصولگرایان در حال حاضر با تفرق آرای جدی روبه‌رو هستند و به چند شعبه تقسیم شدند. از این روی، نیازمند تشکیل ائتلاف یک تشکل واحد با وجود یک شخصیت سرشناس هستند.»هاشمی با بیان اینکه رویکرد جمنا که در انتخابات گذشته از سوی اصولگرایان تشکیل شد، در ایجاد وحدت در بدنه این جریان نقشی نداشت، عنوان کرد: «احتمالاً اصولگرایان از ناطق دعوت کردند تا حول محور وی وحدت در بدنه این جریان شکل بگیرد، ولی تحقق این امر بسیار نزدیک نیست، چون آنها نمی‌توانند از ظرفیت ناطق برای ایجاد وحدت در میان خود بهره بگیرند.»او بیان کرد: «آنها نمی‌توانند از ظرفیت ناطق بهره بگیرند، چون عده‌ای در جناح اصولگرا هستند که جزء منتقدان جدی ناطق به شمار می‌روند و این موضوع را در سال ۸۸ و بعد از آن هم نشان داده‌اند؛ بنابراین، خیلی بعید است این فرایند نتیجه مثبتی در پی داشته باشد.»هاشمی همچنین درباره اینکه اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس آینده با چه جناحی ائتلاف می‌کنند، گفت: «اصلاح‌طلبان تشابه با مشترکات بسیاری با اعتدال‌گرایان دارند. از ایس روی، ائتلاف آنها با اعتدالیون به طور حتم مانند سالال ۷۶ و ۹۶ نتیجه مثبتی را برای آنها در پی خواهد داشت، چون این موضوع یک تجربه مثبت برای این دو جریان سیاسی است. نکته مهم دیگری که باید به آن اشاره کرد، این است که در جناح رقیب اصلاح‌طلبان یعنی اصولگرایان هیچ تجربه موفقیتی برای پاسخگویی به مطالبات مردم وجود ندارد که بتوانند به آن استناد کنند.»او افزود: «اصولگرایان در دو دوره متوالی از دولت فردی چون محمود احمدی‌نژاد حمایت کردند که نتیجه کارنامه این دولت کاملاً مشخص است و به هیچ یک از مطالبات مردم توجهی نشد؛ بنابراین، وقتی می‌بینیم اصولگرایان پاسخگوی همه مطالبات مردم نبودند بدون شک جناح رقیب شانس بیشتری برای پیروزی در انتخابات دارد.»

شرق؛ قیام تاریخی ستارخان و باقرخان برای مبارزه با استبداد محمدعلی‌شاه قاجار در صفحات تاریخ ایران نقش پررنگی دارد زیرا قیام ایشان از یک‌سو حامل پیام استبدادستیزی و از دیگر سو مخابره‌کننده پیام میهن‌گرایی مردم آذربایجان بود؛ قیامی که هیچ‌گاه و با هیچ وصله‌ای به استقلال‌طلبی نمی‌چسبد.

روزهای قیام

ستارخان و باقرخان با آغاز انقلاب مشروطه در تهران و در پی آن اقدامات سرکوبگرایانه محمدعلی‌شاه رهبری آزادی‌خواهان آذربایجان و منطقه قفقاز را برعهده گرفتند و توانستند ماه‌ها در برابر محاصره تبریز ایستادگی کنند و مانع تسلط قشون مرکزی بر تبریز شوند و این مقاومت تا جایی پیش رفت که در نهایت قوای روسیه با موافقت دولت انگلستان و محمدعلی‌شاه از مرز گذشتند و به‌سوی تبریز حرکت و راه جلفا را باز کردند. در نتیجه این اقدام محاصره شهر به پایان رسید و سربازان دولتی شاه و خوانین محلی مخالف مشروطیت از اطراف تبریز دور شدند. گرچه این اقدام روس‌ها باعث رفع محاصره تبریز شد اما ستارخان و دیگران مجاهدان تبریز در تلگرافی به محمدعلی‌شاه گفتند که «شاه به‌جای پدر و توده به‌جای فرزندان است. اگر رنجشی میان پدر و فرزندان رخ دهد، نباید همسایگان پا به میان بگذارند. ما هر چه می‌خواستیم، از آن درمی‌گذریم و شهر را به اعلی‌حضرت می‌سپاریم. هر رفتاری که با ما می‌خواهند بکنند و اعلی‌حضرت بی‌درنگ دستور دهند که راه خواربار باز شود و جایی برای گذشتن سپاهیان روس به ایران باز نماند».

پس از عقب‌نشینی قوای روس مردم شهر رحیم‌خان، حاکم مستبد تبریز را از شهر بیرون راندند، اما اندکی بعد ستارخان در زیر فشار دولت روس، دعوت تلگرافی آخوند ملامحمدکاظم خراسانی و جمعی از ملیون را پذیرفت و با لقب سردار ملی به سوی تهران حرکت کرد. در این سفر باقرخان نیز همراه او بود. هدف دولت از این اقدام کنترل آذربایجان و خلع سلاح مجاهدین تبریز بود. در شب عید نوروز، جمعیت زیادی از مردم و رجال شهر از جمله یرم‌خان ارمنی برای وداع با ستارخان و باقرخان جمع شدند و آنان در میان هلهله جمعیت از منزل خود بیرون آمدند و به سوی تهران حرکت کردند. در بین راه نیز در شهرهای میانه، زنجان، قزوین و کرج استقبال باشکوهی از این دو مجاهد راستین آزادی به عمل آمد و هنگام ورود

به تهران نیمی از شهر برای استقبال به مهرآباد شتافتند و در طول مسیر چادرهای پذیرایی آراسته با انواع تزئینات و طاق نصرت‌های زیبا و قالی‌های گران‌قیمت و چلچراغ‌های رنگارنگ گسترده‌ند. در سرتاسر خیابان‌های ورودی شهر، تابلوهای زنده‌باد ستارخان و زنده‌باد باقرخان مشاهده می‌شد. تهران آن روز سرتاسر جشن و سرور بود. ستارخان پس از صرف ناهار مفصلی که در چادر آذربایجانی‌های مقیم تهران تدارک دیده شده بود، به سوی محلی که برای اقامتش در منزل صاحب اختیار (محلی در خیابان سعدی کنونی) در نظر گرفته بودند، رفت. او مدت یک ماه میهمان دولت بود اما به دلیل وجود سربازان و کمی جا دولت، محل باغ اتابک (محل فعلی سفارت روسیه) را به اسکان ستارخان و بارانش و محل عشرت‌آباد را به باقرخان و بارانش اختصاص داد. پس از چندروزی که نیروهای هر دو طرف در محل‌های تعیین‌شده اسکان یافتند، مجلس طرحی را تصویب کرد که به موجب آن همه مجاهدین و مبارزین غیرنظامی از جمله افراد ستارخان و خود او باید سلاح‌های خود را تحویل دهند. این تصمیم به دلیل بروز حوادث ناگوار و ترور مرحوم سیدعبدالله بهبهانی و میرزاعلی محمدخان تربیت از سران مشروطه گرفته شده بود اما یاران ستارخان از پذیرفتن این امر خودداری کردند. به تدریج مجاهدین دیگری که با ایسن طرح مخالف بودند، به ستارخان و یارانش پیوستند و این امر موجب هراس دولت مرکزی شد. سردار اسعد به



به بهانه سالروز تولد ستارخان

سردار مشروطه ایرانی

ستارخان پیغام داد که «به سوگندی که در مجلس خوردید وفادار باشید و از عواقب وخیم عدم خلع سلاح عمومی بپرهیزید» اما باز یاران ستارخان راضی به تحویل سلاح نشدند.

روزهای منتهی به مرگ

در سال ۱۲۸۹ قوای دولتی که جمعا سه هزار نفر می‌شدند، به فرماندهی یرم‌خان، یار قدیمی ستارخان در تبریز و رئیس نظمیه وقت باغ اتابک را محاصره کردند و پس از چندبیار پیغام، هجوم نظامیان به باغ صورت گرفت و جنگ بین قوای دولتی و مجاهدین آغاز شد. در این جنگ قوای دولتی از چند عراده توپ و ۵۰۰ مسلسل ۶۰ تیر استفاده کردند و به فاصله چهار ساعت، ۳۰۰ نفر از افراد حاضر در باغ کشته شدند. ستارخان راه پشت بام را در پیش گرفت اما در مسیر پله‌ها در یکی از راهروهای عمارت تبری به پایش اصابت کرد و مجروح شد و قادر به حرکت نبود. اندکی بعد قوای دولتی او را دستگیر کردند و به منزل مصصام‌السلطنه بردند و خود و اتباعش ناچار به خلع سلاح شدند. بعد از این وقایع، ستارخان خانه‌نشین شد و پزشکان حاذق برای مداوای پای او همه تلاش خود را کردند اما معالجات به جایی نرسید و در سال ۱۲۹۳ در تهران در گذشت و برخلاف وصیتش، در باغ طوطی در جوار بقعه حضرت عبدالعظیم حسنی در شهرری در حالی که هزاران هزار تهرانی با چشمانی گریان اجازه او را تشییع می‌کردند، به خاک سپرده شد. او هنگام فوت حدود ۴۸ سال داشت.

نسبت ستارخان با ایران

ستارخان می‌دانست که موجودیت ایران از هر منفعتی بالاتر است و او که مبارزه‌اش را در راه اعتلای ایران بنیان گذاشته بود، نمی‌خواست بازچه امیال دولت‌های بیگانه از جمله روسیه شود. ستارخان بر موضع خود چنان اصرار داشت که حتی وقتی روس‌ها به نشانه حمایت خود از ستارخان خواستند پرچمشان را بر سردر خانه او قرار دهند، ستارخان گفت: «جناب کنسول! من می‌خواهم هفت دولت زیر سایه بیرق ایران باشد، شما می‌خواهید من زیر بیرق روس بروم؟ هرگز چنین کاری نخواهد شد!»؛ این سخن از ستارخان علاوه بر آنکه در آن برهه رویکرد قیام تبریز را به روشنی آشکار کرد، برای نسل‌های آینده نیز ابهام‌زدایی کرد زیرا ستارخان در وهله نخست از ایران سخن می‌گفت و در وهله دوم در اندیشه مبارزه با استبداد بود. با چنین تفکری او خود را وقف اتحاد کشور کرد و تنها هدف خود را حفظ کبان و سرافرازی ایران می‌دانست. در حقیقت ستارخان خود را در ایران تعریف می‌کرد و هیچ‌گاه در مسیر مبارزاتی‌اش از این اصل تخطی نکرد و شاید تفاوت مهم قیام او با بعضی از شورش‌های تاریخ معاصر همین نکته ایران‌گرایی است؛ خاصه آنکه تحرکی دیگر به نام ظهور و سقوط قرقه دموکرات آذربایجان هم در پیش‌روی ماست؛ کنشی که توسط سیدجعفر پیشه‌وری با دغدغه ظاهری عدالت در پی تجزیه ایران بود که البته آن تحرکات با مقابله مردم آذربایجان ناکام ماند. در واقع هنگامی که ستارخان به دفاع از انقلاب مشروطه برخاست، می‌دانست در انگیزه‌های مشروطه اهدافی چون استقلال، وحدت ملی و آگاهی ملی وجود دارد. به معنای آنکه مشروطه می‌خواست با عنصر استقلال، حضور فیزیکی و اندیشه‌ای دولت‌های بیگانه را به پایان برساند و با عنصر وحدت ملی به یک دولت منسجم و متمرکز دست یابد. هنگامی که اندیشه مشروطیت بر چنین خاستگاه‌هایی استوار بود، دفاع ستارخان از چنین اندیشه‌هایی خط بطلانی بر تفکرات تجزیه‌طلبانه بود. از سوی دیگر وقتی ملی‌گرایی یکی از عناصر جدانشدنی از انقلاب مشروطیت است، ستارخان نیز به عنوان یکی از افراد مهم و مؤثر در این انقلاب پرچم‌دار چنین گفتمانی است. شاهد مثال این مدعا همان‌طور که گفته شد، سخن صریح ستارخان به کنسول روسیه است که «من می‌خواهم هفت دولت زیر سایه بیرق ایران باشد، شما می‌خواهید من زیر بیرق روس بروم؟ هرگز چنین کاری نخواهد شد!».

باز تاب

● **پاسخ روابط عمومی شهرداری منطقه ۱۴:** احتراماً بازگشت به نامه شماره ۱۲۰/۷۶۶۳۴۵ مورخ ۹۸/۷/۱۰ مبنی بر درج پیام‌های مردمی در جراید روز سه‌شنبه مورخ ۹۸/۷/۹ با موضوع درخواست کتابخانه در خیابان پیروزی و خیابان شکوفه بدین‌وسیله به استحضار می‌رساند در محدوده خیابان شکوفه سه کتابخانه کانون پرورش فکری کودکان شماره ۲۷ مخصوص کودکان و نوجوانان و کتابخانه سرای محله دلگشا واقع در خیابان شکوفه، خیابان درودیان، کوچه نظرآهاری، پلاک ۳۴ یا (۹۰۰ جلد کتاب) با شماره تماس ۳۳۳۳۹۰۰۸ و ۳۳۳۳۳۰۱۵۵ و سرای محله مینا واقع در خیابان ۱۷شهرپور خیابان کبامنش با (۶۰۰ جلد کتاب) با شماره تماس ۳۶۰۴۸۴۵ در منطقه مذکور در حال فعالیت می‌باشد. علیهذا مراتب جهت بهره‌برداری لازم ارسال می‌گردد.

ریموندویل

RAYMOND WEIL
GENEVE

SARMAN Co.

No. 1832, Dr. Shariati St., Next to Pol-E-Roomi, Tehran - Iran

